

مشارکت و توسعه‌ی روستایی در دهستان سلگی بخش خزل



فاطمه سخائی

اشاره

همشهری گرامی سرکار خانم فاطمه سخائی کارشناس ارشد در رشته‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی است. پس از درج مقاله‌ی ایشان تحت عنوان «گردشگری روستایی، راهبردی برای توسعه‌ی روستاهای حوزه‌ی جنگلی فارسبان» در فرهنگان شماره‌ی (۲۹ و ۳۰)، اینک به درج مقاله‌ی بعدی ایشان در این شماره می‌پردازیم. این فصل‌نامه ضمن تشکر، از ارسال دیگر مقالات نهاوندپژوهی از سوی ایشان و سایر پژوهشگران، استقبال می‌کند.

«فرهنگان»

مقدمه

برای پرداختن به بحث مشارکت در توسعه‌ی روستایی، در دهستان مورد مطالعه، لازم است ابتدا به تشریح چند مفهوم اساسی، که می‌تواند ما را در درک بهتر آن یاری رساند، پردازیم. در این راستا به نظر می‌رسد مفاهیمی چون «توسعه» و «توسعه‌ی روستایی»، «مشارکت» و «مشارکت روستایی» از مفاهیم کلیدی در این زمینه باشند.

توسعه

توسعه در مفهوم کلی خود به معنای ارتقای سطح مادی و معنوی جامعه‌ی انسانی و ایجاد شرایط مناسب یک زندگی سالم برای تمام افراد جامعه است. با توجه به این مفهوم، توسعه در برگیرنده‌ی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و تغییرات کمی و کیفی را شامل می‌شود و درعین حال، از مفاهیم نسبی به‌شمار می‌رود.

توسعه‌ی مطلوب متضمن بهبود کیفیت زندگی همه است. بنابراین، کوشش برای دستیابی به توسعه باید به شکلی باشد که منافع اکثریت مردم را دربرگیرد. در صورتی که اگر بخش محدودی از جامعه از فرایند توسعه، که خود یک فرایند تغییر مطلوب است، بهره‌مند شوند نمی‌توان آن را توسعه نامید (جمعه‌پور، ۱۳۸۴، ۵۱ و ۵۲).

بُعد انسانی توسعه

توجه به بعد انسانی در فرایند توسعه، چشم اندازی کاملاً جدید و شیوه‌ای انقلابی برای تغییر چهارچوب روش سنتی توسعه است که به جای آن که «اقتصاد» محور باشد «انسان‌ها» به عنوان واقعیتی زنده که مصدر فعل و عمل قرار می‌گیرند، مطرح می‌شوند. آنان دیگر به عنوان یک موجود مجرد اقتصادی از یاد رفته در حاشیه‌ی توسعه قرار نخواهند داشت، بلکه عامل تأثیرگذار در این فرایند تلقی می‌شوند (عطارزاده، ۱۳۷۸، ۱۸۸).

از این بُعد، توسعه‌ی فرایند افزایش انتخاب مردم، گسترش مشارکت دموکراتیک، تواناسازی مردم برای تصمیم‌گیری در شکل‌دهی فضای زیست خویش، افزایش رفاه و خوش‌بختی، گسترش فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه، تواناسازی همه‌ی مردم به ویژه زنان، فقرا، کشاورزان خرده‌پا و... برای سامان‌دهی فضای زیست خود و تواناسازی برای انجام کار گروهی است (افتخاری، ۱۳۸۲، ۵).

توسعه‌ی روستایی

توسعه‌ی روستایی بخش مهمی از فرایند توسعه‌ی ملی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، را به خود اختصاص می‌دهد. اگر قرار است توسعه انجام گیرد و مستمر باشد باید به طور اعم، از مناطق روستایی و به طور اخص، از بخش کشاورزی، آغاز شود.

مسائل فقر گسترده، نابرابری در حال رشد و بیکاری فزاینده تماماً ریشه در رکود و سیر قهقرایی زندگی اقتصادی مناطق روستایی دارد. شاید معتبرترین تصمیم در مورد فقرا این باشد که آنان به طور نامتناسبی در نواحی روستایی جای دارند و به طور عمده به کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن مشغول‌اند.

هر نوع سیاستی که برای کاهش فقر و ایجاد توسعه طرح‌ریزی شود باید لزوماً تا حدی در جهت توسعه‌ی روستایی، به طور اعم و بخش کشاورزی به طور اخص، باشد (جمعه‌پور، ۱۳۸۴، ۵۶).

توسعه‌ی روستایی فرایندی چند بُعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر اجتماع روستایی است. فرایندی که با بهره‌گیری از سازوکارهایی چون برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، تقویت خود اتکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی روستائیان تلاش می‌کند که در آنها قدرت، توان و اختیار بهره‌گیری از قابلیت‌ها و منابع در اختیارشان را تقویت کند تا به واسطه‌ی آن بتوانند وضعیت موجودشان را به وضعیت مناسب و مطلوب‌تر تغییر دهند.

تحقق چنین توسعه‌ای نیازمند دگرگونی در ساختارهای نهادی، فنی، شخصیتی و ارزشی است که منجر به تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی و ویژگی‌های

شخصیتی روستائیان می‌شود. برآیند و پیامد آن باید پاسخ‌گوی نیازهای اساسی روستائیان، ارتقای کیفیت زندگی و تقویت اتکا به نفس و آزادی انتخاب و عاملیت روستائیان باشد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ۲۲).

مشارکت

از مشارکت تعاریف متفاوتی ارائه شده است و گاهی به عمد تعابیر متفاوتی از آن ذکر کرده‌اند. زمانی مشارکت را از ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... ملاحظه می‌کنند. گاهی نیز مشارکت را در اجرا مد نظر دارند و از مشارکت در تصمیم‌گیری، نظارت، ارزش‌یابی و پی‌گیری، حرفی به میان نمی‌آورند.

در کشورهای جهان سوم به لحاظ وجود ساختار سیاسی متمرکز و اغلب حکومت‌های غیر مردمی، اگر هم بحثی از مشارکت به میان آمده، مشارکت در اجرا مد نظر بوده است. مانند دوره‌ی ارباب- رعیتی، که تصمیمات اساسی را ارباب می‌گرفت و رعایا در قالب گروهی و یا به صورت بیگاری در اجرا فعال بودند (شاگری، ۱۳۸۰، ۲۹).

گائوتری (Goatri) در تعریف مشارکت مطرح می‌نماید، مشارکت فرایندی اجتماعی، عمومی، یک‌پارچه، چندگانه، چندبعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه‌ی مردم به ایفای نقش در همه‌ی مراحل توسعه است (غفاری، ۱۳۸۰: ۴۰).

ارنشتاین (Ornstein) مشارکت را نوعی توزیع مجدد قدرت می‌داند که به سبب آن شهروندانی را، که در حال حاضر در فرایند سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند، قادر می‌سازد تا به تدریج در آینده شرکت داده شوند (همان: ۴۰).

از مشارکت می‌توان به صورت فراگرد نیرومندسازی یاد کرد. مشارکت به صورت فراگرد نیرومندسازی به سه ارزش بنیادی تأکید می‌کند:

- ۱- سهم کردن مردم در قدرت و اختیار؛
- ۲- راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش؛
- ۳- بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی مردم به ویژه «رده‌های زیرین جامعه» (طوسی، ۱۳۷۰، ۷).

«میسرا» در تعریف مشارکت، مفهومی کلی ارائه می‌دهد و می‌گوید: مشارکت عبارت است از رشد توانایی‌های اساسی بشر، از جمله شأن و منزلت انسانی و مسئول ساختن بشر در باروری نیروی تصمیم‌گیری و عمل به نحوی که سنجیده و از روی فکر باشد (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۵، ۱۱۷).

مشارکت روستایی

مشارکت در توسعه‌ی روستایی عبارت از یک تلاش سازمان‌یافته به منظور نظارت بر توسعه‌ی منابع محلی، کنترل نهادهای اجتماعی - اقتصادی، ایفای نقش در توسعه‌ی تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی و در نهایت سهم شدن در منافع توسعه است (کلانتری، ۱۳۷۴: ۴).

نقش مشارکت در توسعه‌ی روستایی

توسعه‌ی روستایی و مشارکت واقعی روستائیان، به خصوص در قالب سازمانی آن، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند به گونه‌ای که دو روی یک سکه را تشکیل می‌دهند. مشارکت روستایی در توسعه‌ی روستایی شامل مداخله‌ی مردم در فرایند تصمیم‌گیری، اجرای طرح‌ها، بهره‌گیری از منافع این طرح‌ها و ارزیابی آن‌ها می‌گردد (غفاری، ۱۳۸۰، ۶۴).

کم‌تر کسی با این نکته مخالف است که مشارکت مردم اساس موفقیت هر طرح توسعه‌ی روستایی است. مسئله، تأکید بر اهمیت مشارکت نیست، بلکه در زمینه‌ی توسعه‌ی روستایی، دستیابی به یک توافق درباره‌ی مفهوم این واژه است، به شرطی که چنین عملی هم معتبر و هم امکان‌پذیر باشد (مطیعی‌لنگرودی، ۱۳۸۲، ۸۳).

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به خصوص در مناطق روستایی، سازمان‌های محلی ریشه‌دار وجود دارند که نهادهایی بومی محسوب می‌شوند و از تجارب ارزنده‌ای در زمینه جلب مشارکت مردم محلی و کار گروهی توانمندساز، هم‌چون سرمایه‌گذاری اشتراکی و انجام کارهای تولیدی در بخش کشاورزی برخوردارند و به خوبی با شرایط اجتماعی، اقتصادی و مهم‌تر از آن با ساخت‌های فرهنگی منطقه سازگار گشته‌اند و در عرصه‌های متنوعی فعالیت می‌نمایند و حل مشکلات مردم محلی اساس فعالیت آن‌هاست.

هم‌چنین، سازمان‌هایی که در واقع نمادی واقعی از ظرفیت گسترش نهادینه‌سازی مشارکت مردم محلی هستند و قطعاً استفاده از همکاری آن‌ها می‌تواند در انجام موفق کارکردهای توسعه و ترویج روستایی نقش به‌سزایی ایفا نماید. در عین حال، در صورت تضاد کارکردهای منتج از ساختار دولتی یا خصوصی با اهداف و منافع این نهادها ممکن است آن‌ها مکانیسم‌های بازدارنده‌ای را در پیش گیرند (شریف‌زاده و دیگران، ۱۳۸۵، ۱۹۳).

در این زمینه تجربه‌ی بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله کشور ما، نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی متمرکز، آمرانه و از بالا به پایین دستاورد مطلوبی نداشته است. هر چه سطوح مشارکت محدودتر باشد، امکان اجرایی و کارآمد شدن برنامه‌ها کاهش خواهد یافت و هزینه‌های اجرا و نظارت مرکزی افزایش می‌یابد و آسیب‌پذیری طرح‌ها و سیاست‌ها بالا خواهد رفت (رضوانی، ۱۳۸۳، ۲۱۴).

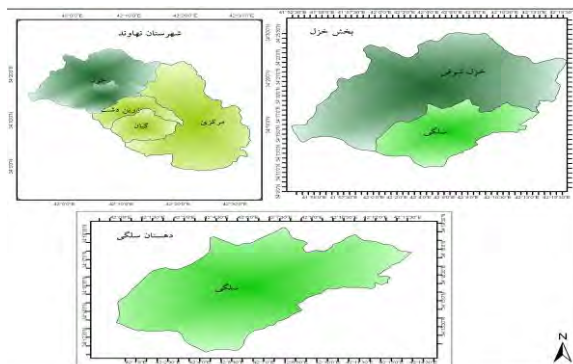
مشارکت در روستاهای دهستان سلگی شهرستان نهاوند

بی شک، مشارکت و نهادینه کردن آن در بین مردم روستاهای شهرستان نهاوند نیز از راهبردهای بسیار مطلوبی است که می‌تواند در پیشبرد توسعه‌ی روستایی نقش‌آفرین باشد. در این راستا، مطالعه‌ای در قالب یک پایان‌نامه بر روی دهستان سلگی از دهستان‌های بخش خزل شهرستان نهاوند (نقشه‌ی شماره‌ی ۱) صورت گرفته است که نشان می‌دهد بین میزان مشارکت و تمایل مردم به ایفای نقش در پیشبرد امور روستاهایشان، با سطح توسعه‌یافتگی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

در این مطالعه هم‌چنین، مشخص شد که بین گرایش مردم به مشارکت در توسعه‌ی روستایی و سطح سواد و همین‌طور سطح رفاه و توانمندی روستائیان در روستاهای نمونه‌ی دهستان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، دهستان سلگی یکی از دهستان‌های بخش خزل شهرستان نهاوند است که در فاصله‌ی اندکی از شهر فیروزان قرار دارد و دارای ۲۲ آبادی دارای سکنه است. در اطراف این دهستان، دهستان‌های خزل شرقی در شمال شرقی، طریق‌الاسلام در شمال غربی، گرین و فضل در جنوب و جنوب شرقی قرار گرفته‌اند.

نقشه‌ی شماره‌ی ۱: موقعیت دهستان سلگی در شهرستان نهاوند



از ۲۲ روستای مورد مطالعه ۶ روستا بر اساس وضعیت توپوگرافی و هم‌چنین میزان جمعیت‌شان به عنوان نمونه انتخاب شدند. در سال ۱۳۸۵، مجموع تعداد خانوارهای آماری در دهستان ۳۳۹۵ خانوار بوده است که از بین آن‌ها ۳۴۵ خانوار با استفاده از فرمول حجم نمونه‌ی کوکران^۱ به‌عنوان جامعه‌ی نمونه مشخص گردیده است.

جدول ۱- درصد پرسش‌نامه‌های توزیع شده در روستاهای نمونه

| درصد تجمعی | درصد معتبر | درصد | فراوانی | |
|------------|------------|-------|---------|-------------|
| ۱۳/۳ | ۱۳/۳ | ۱۳/۳ | ۴۶ | فارسبان |
| ۱۴/۸ | ۱/۴ | ۱/۴ | ۵ | کمال‌وند |
| ۲۵/۵ | ۱۰/۷ | ۱۰/۷ | ۳۷ | لیلی‌یادگار |
| ۵۵/۱ | ۲۹/۶ | ۲۹/۶ | ۱۰۲ | شهرک |
| ۶۵/۸ | ۱۰/۷ | ۱۰/۷ | ۳۷ | شیراوند |
| ۱۰۰/۰ | ۳۴/۲ | ۳۴/۲ | ۱۱۸ | رزینی |
| | ۱۰۰/۰ | ۱۰۰/۰ | ۳۴۵ | کل |

مأخذ: پژوهش‌های میدانی نگارنده

در مرحله‌ی بعد، بر اساس نمونه‌گیری سهمیه‌ای، به نسبت تعداد خانوارها در هر روستا، تعداد افراد نمونه مشخص گردید و در نهایت بر اساس لیستی که از کل خانوارهای هر روستا تهیه شده بود، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده، تعداد افراد نمونه مشخص گردید.

پس از آن، پرسش‌نامه‌ای طراحی شد که وضعیت مشارکت روستائیان و میزان

۱- این فرمول برای به‌دست آوردن حجم نمونه در جامعه‌ی آماری‌ای است که تعداد آن زیاد باشد...

سواد و همین طور میزان برخورداری آن‌ها را از امکانات رفاهی می‌سنجید. این پرسش‌نامه در بین ۳۴۵ نفر از مردم روستاهای نمونه توزیع گردید و با استفاده از آزمون‌های آماری مشخص شد که در روستاهای این دهستان زمینه‌ها و ظرفیت‌های فراوانی برای مشارکت و به‌کارگیری مردم در اداره‌ی امور روستاهایشان وجود دارد که با سازمان‌دهی و نهادی کردن آن‌ها می‌توان به نتایج بسیار مطلوب و گسترده‌ای دست پیدا کرد.

به سبب گسترده بودن حجم سؤالات و اطلاعاتی که از روستاهای منطقه‌ی مورد مطالعه در قالب پرسش‌نامه‌ها به دست آمده است، تنها به پاسخ برخی از سؤالات اشاره می‌کنیم تا در قالب آن، میزان گرایش مردم به مشارکت و تصمیم‌گیری در سرنوشت خود و روستایشان معلوم گردد.

پرسش ۱- آیا کار گروهی آسان شدن کارها را در پی دارد؟

| گزینه | فراوانی | درصد | درصد معتبر | درصد تجمعی |
|--------------|---------|-------|------------|------------|
| کاملاً مخالف | ۳ | ۰/۹ | ۰/۹ | ۰/۹ |
| مخالف | ۳۱ | ۹/۰ | ۹/۰ | ۹/۰ |
| تا حدودی | ۸۳ | ۲۴/۱ | ۲۴/۱ | ۳۳/۹ |
| موافق | ۱۶۸ | ۴۸/۷ | ۴۸/۷ | ۸۲/۶ |
| کاملاً موافق | ۶۰ | ۱۷/۴ | ۱۷/۴ | ۱۰۰/۰ |
| کل | ۳۴۵ | ۱۰۰/۰ | ۱۰۰/۰ | |

جدول بالا نشان می‌دهد که از ۳۴۵ نفر بیش‌ترین فراوانی (۱۶۸ نفر) داشتن این

اعتقاد است که کار گروهی آسان شدن کارها را در پی دارد.

پرسش ۲- آیا در انجام کارها باید با دیگران مشورت کرد؟

| گزینه | فراوانی | درصد | درصد معتبر | درصد تجمعی |
|--------------|---------|-------|------------|------------|
| کاملاً مخالف | ۱ | ۰/۳ | ۰/۳ | ۰/۳ |
| مخالف | ۲۷ | ۷/۸ | ۷/۸ | ۸/۱ |
| تا حدودی | ۸۷ | ۲۵/۲ | ۲۵/۲ | ۳۳/۳ |
| موافق | ۱۶۷ | ۴۸/۴ | ۴۸/۴ | ۸۱/۷ |
| کاملاً موافق | ۶۳ | ۱۸/۳ | ۱۸/۳ | ۱۰۰/۰ |
| کل | ۳۴۵ | ۱۰۰/۰ | ۱۰۰/۰ | |

در این گویه بیش‌ترین فراوانی (۱۶۷ نفر) آن است که مشورت با دیگران در انجام کارها لازم است و با این اصل موافق‌اند.

پرسش ۳- آیا این درست نیست که مردم از مسئولین بخواهند که همه‌ی کارها را برای آنها انجام دهند؟

| گزینه | فراوانی | درصد | درصد معتبر | درصد تجمعی |
|--------------|---------|-------|------------|------------|
| کاملاً مخالف | ۱۴ | ۴/۱ | ۴/۱ | ۴/۱ |
| مخالف | ۳۵ | ۱۰/۱ | ۱۰/۱ | ۱۴/۲ |
| تا حدودی | ۴۶ | ۱۳/۳ | ۱۳/۳ | ۲۷/۵ |
| موافق | ۲۰۷ | ۶۰/۰ | ۶۰/۰ | ۸۷/۵ |
| کاملاً موافق | ۴۳ | ۱۲/۵ | ۱۲/۵ | ۱۰۰/۰ |
| کل | ۳۴۵ | ۱۰۰/۰ | ۱۰۰/۰ | |

در این گویه نیز بیش‌ترین فراوانی (۲۰۷ نفر) پاسخ‌گویان، اعتقاد بر این دیدگاه است که روستائیان نیز باید به همراه مسئولین محلی در انجام کارهای مربوط به روستا سهیم باشند.

پرسش ۴- اگر یک طرح یا پروژه‌ی عمرانی در روستا به اجرا در آید، کاری برای انجام آن نمی‌کنم

| گزینه | فراوانی | درصد | درصد معتبر | درصد تجمعی |
|--------------|---------|-------|------------|------------|
| کاملاً موافق | ۱۳ | ۳/۸ | ۳/۸ | ۳/۸ |
| موافق | ۳۶ | ۱۰/۴ | ۱۰/۴ | ۱۴/۲ |
| تا حدودی | ۶۰ | ۱۷/۴ | ۱۷/۴ | ۳۱/۶ |
| مخالف | ۲۰۶ | ۵۹/۷ | ۵۹/۷ | ۹۱/۳ |
| کاملاً مخالف | ۳۰ | ۸/۷ | ۸/۷ | ۱۰۰/۰ |
| کل | ۳۴۵ | ۱۰۰/۰ | ۱۰۰/۰ | |

در این گویه ۲۰۶ نفر به مشارکت در انجام کار در طرح یا پروژه‌های عمرانی که در روستا به اجرا در می‌آید، تمایل داشته‌اند.

پرسش ۵- آیا تا کنون در انتخابات شوراهای اسلامی روستایی شرکت داشته‌اید؟

| گزینه | فراوانی | درصد | درصد معتبر | درصد تجمعی |
|-------|---------|-------|------------|------------|
| خیر | ۱۸ | ۵/۲ | ۵/۲ | ۵/۲ |
| بله | ۳۲۷ | ۹۴/۸ | ۹۴/۸ | ۱۰۰/۰ |
| کل | ۳۴۵ | ۱۰۰/۰ | ۱۰۰/۰ | |

از میان ۳۴۵ نفری که مورد پرسش قرار گرفته‌اند، ۳۲۷ نفر از آنان در انتخابات شوراهای اسلامی روستایی شرکت داشته‌اند.

به طور کلی و با توجه به پاسخ‌هایی که روستائیان به سؤالات پرسش‌نامه داده‌اند نتیجه می‌گیریم که روستائیان در سطح بالایی به مشارکت اعتقاد و گرایش دارند. اما این به معنای مشارکت گسترده‌ی مردم در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی، که در روستا به اجرا در می‌آید، نیست.

هم‌چنان که در جداول پیشین مشاهده می‌شود، وضعیت اعتقاد روستائیان به مشارکت در توسعه‌ی روستایی در سطح مطلوبی قرار دارد و فراوانی کسانی که به انجام کارها به صورت گروهی و با همکاری با دیگران و با دولت اعتقاد دارند در سطح بالایی است. اما به طور کلی خودیاری روستائیان در انجام کار برای پروژه‌های عمرانی و بهسازی و همکاری با شورای روستا و ... در سطح پائینی قرار دارد.

بدیهی است اگر روستائیان بدانند که مشورت و کمک و خودیاری مالی، فیزیکی و مشورتی در امور روستا، سرانجام تأثیر بسیار مطلوبی بر سطح رفاه آن‌ها می‌گذارد و نتیجه‌ی سودمندی عایدشان می‌گردد، با شوق و اراده‌ی بیش‌تری به مشارکت و همکاری در امور مربوط به روستا می‌پردازند.

از داده‌های استخراج شده از پرسش‌نامه‌ها، برمی‌آید که سطح تحصیلات بالا، درآمد اقتصادی کافی و فاکتورهایی از این قبیل ارتباط مستقیمی با افزایش سطح مشارکت دارد و در صورتی که یک روستا از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی در وضعیت مطلوب‌تری قرار داشته باشد، میزان مشارکتش افزایش می‌یابد و در صورتی که مشارکت به صورت پویا و فعال وجود داشته باشد زمینه‌های ارتقای وضعیت اقتصادی نیز فراهم می‌گردد.

با وجود گرایش گسترده‌ی مردم روستایی به مشارکت و مداخله در سرنوشت خود، که در قالب پرسش‌نامه و مطالعات میدانی نگارنده به دست آمده و در این‌جا مجال پرداختن به آن نیست، موانع و محدودیت‌های فراوانی برای تحقق این امر مهم در منطقه‌ی روستایی گفته شده وجود دارد که شامل موانع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است و برای هر کدام از آن‌ها نمونه‌هایی می‌توان ذکر کرد.

به طور نمونه یکی از **موانع اقتصادی** این است که بسیاری از برنامه‌های طراحی

شده برای روستاها مستلزم وجود امکانات مالی و توان اقتصادی بالاست. بدیهی است، زمانی که روستائیان هنوز در دست‌یابی به شغل مناسب و درآمد کافی با مشکل مواجه هستند، نمی‌توان انتظار داشت که در اجرای این برنامه‌ها فعالانه مشارکت کنند.

ساکنان بسیاری از روستاهای دهستان سلگی، به ویژه روستاهایی که از دید برنامه‌ریزان دور مانده‌اند (مانند روستاهای گیوکی، تپه‌علی، شیراوند، جعفر آباد، دولت آباد، هادی‌آباد و...)، از وضعیت مطلوب اقتصادی برخوردار نیستند و صرفاً به رفع نیاز معیشت خود می‌پردازند و قادر به هزینه کردن و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های دیگر نیستند. این امر انگیزه و توان مشارکت را در آنان به شدت تقلیل داده است.

از **موانع اجتماعی** این است که به نظر می‌رسد در حال حاضر اعتماد اجتماعی در بین روستائیان نسبت به دولت رو به ضعف گرائیده است و این عامل، هماهنگی و مشارکت در برنامه‌ها را مختل می‌سازد. در گذشته‌ی نه چندان دور، در روستاهای دهستان سلگی ارتباطات هم‌پیوند و مشارکتی مردم در سطح بالایی قرار داشت و بخش عظیمی از کارهای روستا و حتی کارهای شخصی افراد در منازل به صورت گروهی انجام می‌گرفت. اما پس از حضور دولت، به عنوان برنامه‌ریز در روستاها، کم‌کم این حلقه‌های پیوند سست شد و مردم، بسیاری از کارها را وظیفه‌ی دولت می‌دانند و در برابر یکدیگر و در برابر روستایشان احساس مسئولیت نمی‌کنند.

یکی دیگر از موانع موجود بر سر راه مشارکت در توسعه‌ی روستایی حاکم بودن روح طایفه‌گرایی در برخی از روستاهاست. این امر از گذشته‌های دور زمینه‌های تعامل و همیاری بین روستائیان را تضعیف کرده است.

از **موانع فرهنگی** می‌توان به تقدیرگرایی و سپردن امور به سرنوشت، به ویژه در

بین نسل کهن سال روستایی (که مانع بزرگی بر سر راه مشارکت است)، اشاره کرد. هر قدر سطح سواد و آگاهی روستائیان پایین تر باشد، تقدیرگرایی و اتکای به سرنوشت (به معنی نفی اختیار عمل در انسان) در آنها بیش تر می شود که این امر از مشارکت مردم روستایی جلوگیری می کند و ضرورت پرداختن به کارهای مشارکتی را از نظر آنها کاهش می دهد.

پایین بودن سطح آگاهی های اجتماعی و سیاسی مردم و ناآگاهی از سودمندی برنامه های مشارکتی از دیگر موانع موجود در این زمینه است، به ویژه در روستاهای کوچک تر و دور افتاده تر (لیلاس، امین آباد، علی آباد، کمالوند و ...)، که تنها منبع دستیابی آنان به اخبار سیاسی و اجتماعی مرز و بومشان تلویزیون است و همه ی روستاهای دهستان برای دستیابی به منابع آگاهی و اطلاعات، ناگزیرند به شهر مراجعه کنند. همین انزوای رسانه ای، که از عوامل بسیار مهم است، روستائیان را از پرداختن به امور مشارکتی و آگاهی بخشی در این زمینه دور کرده است.

از موانع سیاسی می توان به تصدی گری دولت و تمرکز تصمیم گیری ها، که از موانع بسیار مهم بر سر راه مشارکت روستائیان است، اشاره کرد. از زمانی که دولت به صورت همه جانبه مسئولیت برنامه ریزی ها را، در سطح خرد و کلان، بر عهده گرفت زمینه های مشارکت روستائیان به سرعت از بین رفت و از روستائیان، صرفاً در اجرای برنامه های تزریقی از سوی دولت استفاده گردید.

چنانچه به اهمیت مشارکت در توسعه ی روستایی توجه ویژه مبذول گردد و مشکلات موجود بر سر راه آن هموار گردد، می توان به آینده ی روشن برنامه ریزی های توسعه ی روستایی امیدوار بود. به طور کلی توجه به این امر ضروری است که اگر مردم روستایی به امکانات مالی و اختیارات کافی برای اجرای طرح های خود

دسترسی نداشته باشند، مشارکت به سرعت جای خود را به بی‌علاقگی خواهد داد و این خود به بیگانگی اجتماعی منجر می‌گردد.

بی‌شک منابع اجتماعی و انسانی، که شامل جمعیت جوان و آماده به کار، وجود سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی، به ویژه در روستاهایی که دارای سطوح بالاتری از مشارکت‌اند، می‌تواند راه‌گشای ما در زمینه‌ی برنامه‌های مشارکتی باشد.

از سوی دیگر ایجاد تغییر و تحول در ساخت‌های اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه‌ی روستایی و نوسازی افراد و ایجاد ویژگی‌های روانی، ارزش‌ها و اعتقادات جدید در آن‌ها و لزوم تغییر و تحول در ساخت‌های اجتماعی و ارزش‌های حاکم در بین نسل کهن‌سال، که لازم است با ایده‌ها و برنامه‌های به روز و جدید هماهنگ باشند، ضروری است.

بالا بردن سطح آگاهی‌های مردم برای ایجاد جهانی نو از طریق جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌های گروهی و سازمان‌های گروهی و رسمی مأمور به تعلیم و تربیت از دیگر راهکارهای موجود در این زمینه است.

لازم است آگاهی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ساکنان روستاها را تقویت کرد تا بتوانند ضرورت دست‌یابی به انسجام اجتماعی را دریابند و به صورت خودجوش به دنبال نهادهای مشارکتی باشند. این کار را شورا و دهیاری‌ها به خوبی می‌توانند انجام دهند.

افزایش نهادهای مشارکتی در روستاها و ایجاد زمینه‌های فعالیت مفید و سودمند برای آن‌ها در جهت توسعه‌ی روستایی، که مستلزم آگاهی‌بخشی و توانمندسازی روستائیان و مشارکت‌دادن‌شان در همه‌ی سطوح تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت و ارزش‌یابی است نیز، گام مهم دیگری است که باید برداشته شود.

در نهایت، توجه به این نکته که مشارکت از سوی روستائیان باید داوطلبانه، ارادی و اختیاری صورت گیرد بسیار ضروری است تا نتایج مطلوب حاصل شود. در برخی روستاهای دهستان سلگی، شوراها یا مسئولین در به کار گیری مشارکت مردم، به‌خصوص در مشارکت مالی، به اجبار متوسل می‌شوند که غالباً نتیجه‌ی مطلوب در پی ندارد.

در روستاهای بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته‌ی جهان، به لحاظ بالا بودن فرهنگ مشارکت و سطح مشارکت تعاون در بین روستائیان و اعتقاد بالای آنان به کارهای گروهی، توجه به فرهنگ‌سازی گسترده و نهادینه شده در بین مردم روستایی، در حد مطلوبی قرار دارد و روستاها توسعه‌یافته‌تر هستند.

بدیهی است هر قدر مردم روستاهای دهستان مورد مطالعه از مزایا و نتایج ثمربخش کارهای مشارکتی آگاهی بیش‌تری به‌دست آورند و احساس کنند که نتیجه‌ی مشارکت، دست‌یابی به سود و منفعتی پایدار است، انگیزه‌ی مشارکت در آن‌ها بیش‌تر می‌شود.

منابع و مآخذ

- ۱- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری، توسعه‌ی روستایی با تأکید بر جامعه‌ی روستایی ایران، تهران: نشرنی، ۱۳۸۳
- ۲- پاپلی یزدی، محمدحسین و محمد امیرابراهیمی، نظریه‌های توسعه‌ی روستایی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵
- ۳- جمعه پور، محمود، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی، دیدگاه‌ها و روش‌ها، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴
- ۴- رضوانی، محمدرضا، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی در ایران، تهران، انتشارات قومس، ۱۳۸۳

- ۵- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، دهیاری‌ها و مدیریت توسعه‌ی پایدار روستا، مجله‌ی دهیاری‌ها، شماره‌ی ۲، فصل ۱۳۸۲
- ۶- شاکری، هادی، نقش مشارکت مردم در توسعه‌ی روستایی با تأکید بر جایگاه جوانان از نظر دولت و مردم (مطالعه‌ی موردی بخش فریدون‌کنار شهرستان بابلسر)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰
- ۷- شریف‌زاده، ابوالقاسم و دیگران، بهینه‌سازی کارکرد سازمان‌های کشاورزی در فرایند توسعه و ترویج روستایی، مجله‌ی جهاد، شماره‌ی ۲۷۵، ۱۳۸۵
- ۸- طوسی، محمدعلی، مشارکت در مالکیت و مدیریت، تهران، انتشارات مدیریت آموزش دولتی، ۱۳۷۰
- ۹- عطارزاده، مجتبی، واقعیت توسعه و توسعه‌ی واقعی در ایران (بررسی ضرورت تحکیم زیر ساخت فرهنگی به منظور پایدار نمودن توسعه)، مقالات برگزیده‌ی همایش نقش و جایگاه دولت در توسعه‌ی فرهنگی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸
- ۱۰- غفاری، غلامرضا، تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی معاصر بر مشارکت اجتماعی- اقتصادی سازمان‌یافته‌ی روستائیان به عنوان مکانیزمی برای توسعه‌ی روستایی در ایران، مطالعه‌ی موردی روستاهای شهرستان کاشان، پایان‌نامه‌ی دکترا، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰
- ۱۱- کلانتری، جلیل، مشارکت، استراتژی جدید در توسعه، مجله‌ی جهاد، سال پانزدهم، شماره‌ی ۱۷۸-۱۷۹، ۱۳۷۴
- ۱۲- مطیعی لنگرودی، حسن، برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، تهران، انتشارات جهاددانشگاهی مشهد، ۱۳۸۲

